



چرا ترامپ عقب نشینی کرد؟/ آمریکا بازنده بزرگ «جنگ نرم»

سخنرانی دونالد ترامپ متعاقب انتقام سخت ایران از آمریکا حاوی نکاتی است که ادعای برخی تحلیل‌های غالب در رسانه‌های معاند را بی اعتبار می‌سازد.

خبرگزاری مهر - گروه بین الملل: سخنرانی دونالد ترامپ متعاقب انتقام سخت ایران از آمریکا حاوی نکاتی است که ادعای برخی تحلیل‌های غالب در رسانه‌های معاند را بی اعتبار می‌سازد.

ترامپ در واکنش به پاسخ موشکی ایران به پایگاه «چشم شیر» (عین الاسد) آمریکا در عراق ادعا کرد این حمله خسارتی به آمریکا وارد نکرده و تلفاتی به جا نگذاشته است.

او چند روز پیش تهدیده کرده بود اگر ایران به کشته شدن سردار سلیمانی واکنش تلافی جویانه نشان دهد «۵۲ سایت ایرانی در تیررس هستند، برخی از آنها اهمیت بسیار بالا و مهمی برای ایران و فرهنگ ایرانی دارند و به آن اهداف و به خود ایران بسیار سریع و به طور سنگین ضربه زده خواهد شد. ایالات متحده بیش از این هیچ تهدیدی را نمی پذیرد».

عقب نشینی ترامپ که از شروع سخنرانی و با صدای لرزان او مشهود بود در انتهای سخنرانی ضرب آهنگ تندتری به خود گرفت: «ده ها هزار نفر از پیکارجویان داعش در دولت من کشته یا اسیر شده اند. داعش، دشمن طبیعی ایران است. نابودی داعش برای ایران خوب است و ما باید با یکدیگر در این خصوص و سایر اولویت های مشترکمان همکاری کنیم. در نهایت خطاب به مردم و مسئولان ایران می گویم ما می خواهیم شما آینده داشته باشید؛ آینده ای بزرگ که شایسته شما باشد؛ آینده ای که همگام با ملل دنیا، رفاه در داخل را برای شما به ارمغان بیاورد. ایالات متحده آماده به آغوش کشیدن صلح همراه با تمام کسانی است که در جستجوی آن باشند.»

البته یکی از اهداف ترامپ از سخن راندن از صلح و دست صلح به سمت ایران دراز کردن این جنبه خواهد بود که او اهل مذاکره با ایران است و این ایران است که حاضر به مذاکره نیست؛ البته موضوعی که دیگر نخ نما شده است و حتی توسط متحدانی که در اجلاس اخیر ناتو مسخره اش کردند نیز جدی گرفته نمی شود.

اما چه شد که ترامپ از عدد «۵۲» (تهدید به زدن ۵۲ هدف ایران) به صلح با ایران رسید؟

پیش از پاسخ به این سوال باید ارزیابی از شرایط کنونی از منظر ترامپ داشت. هیمنه آمریکا با اسقاط پهپاد این کشور از سوی ایران فرو ریخت. اگرچه این پهپاد به فضای ایران وارد شده بود ولی این موضوع از منظر آمریکا قطعاً مهم نبوده و اگر آمریکا در جایگاه واکنش بود همین کار را هم می کرد.

حمله به پالایشگاه آرامکو که نیروهای یمنی مسئولیت آن را بر عهده گرفتند نیز از سوی آمریکا و به رغم اینکه عربستان ایران را مسئول حمله اعلام کرد با واکنش آمریکا مواجه نشد. ترامپ خطاب به عربستان اعلام کرده بود که اعلام کند ایران مسئول حمله است و اسناد آن را ارائه کند. ضمن اینکه به عربستان یادآور شده بود که آمریکا به نفت خلیج فارس نیاز ندارد و متحدان آمریکا باید هزینه های دفاع آمریکا از این کشورها را بپردازند.

اینکه آمریکا به نفت خلیج فارس نیاز ندارد و این موضوع که ناتو باید نقش بیشتر در منطقه ایفا کند از یک طرف با هدف ترساندن متحدان آمریکا در منطقه است و از سوی دیگر وارد کردن ناتو به منطقه و متقبل شدن هزینه های تأمین امنیت منطقه. در واقع ترامپ با اعلام این دو جمله کلیدی هم متحدان منطقه ای را بیشتر خواهد دوشید و هم متحدان اروپایی ناتوای خود را؛ متحدانی که هر از گاهی «مرگ مغزی ناتو» را هم ساز می کنند.

واکنش لرزان ترامپ را باید در واکنش ایران به شهادت سردار سلیمانی جستجو کرد. همین واکنش بود که ترامپ را از «۵۲» معروف به دست صلح دراز کردن کشاند؛ هر چند خوی خود را در اعلام تحریم های بیشتر هم نتوانست کتمان کند. باید توجه داشت که پایگاه «عین الاسد» دومین پایگاه هوایی بزرگ عراق است. این پایگاه در پایان سال ۲۰۱۶، به بهانه مبارزه با داعش، بار دیگر این پایگاه تحت اختیار نظامیان آمریکایی حاضر در ائتلاف بین المللی ضد داعش قرار گرفت.

«عین الاسد» از مهم ترین پایگاه های آمریکا در عراق است و سیزده موشک بر سر آن فرود آمد. ارتش عراق اعلام کرده

هفده موشک به آن اصابت کرده است.

آنچه موشک های ایران در این پایگاه زدند، «مقر عملیات مرکزی» آمریکا است که سامانه های ارتباطی و سامانه مخصوص پهپادها و همچنین زیرساخت هایی مهم را در خود جا داده است.

همچنین پایگاه اربیل نیز که جدیدترین و مهم ترین سامانه های جاسوسی آمریکا در منطقه را در خود جای داده و به نوعی «مرکز فعالیت های اطلاعاتی و جاسوسی» آمریکا است، هدف دست کم پنج موشک قرار گرفته است.

ایران فقط با هدف قرار دادن این پایگاه ها نشان داد که واکنش به شهادت سردار سلیمانی و ترور آن از سوی آمریکا، متضمن اصل «تناسب» است؛ هر چند هنوز این یک «سیلی» است.

این سطح «سیلی» است و اگر انتقام متناسب رخ دهد میزان و سطح آن ناگفته پیداست؛ موضوعی که از سوی آمریکا نیز ادراک شد. ایران همچنین به رغم گمانه های مختلف در خصوص اهدافی که می توانست مورد حمله احتمالی باشند پاسخی مستقیم به آمریکا داد. در واقع ایران این پیام را به آمریکا داد که به «کنش مستقیم» و نه نیابتی، «واکنش مستقیم». نه نیابتی نشان خواهد داد. از سوی دیگر ایران اعلام کرد که واکنش نشان خواهد داد و «داد».

ایران اعلام کرد که ۸۰ نظامی آمریکا در حمله به عین الاسد کشته شدند اما ترامپ اعلام کرد که آمریکا تلفاتی نداشته است. اما ترامپ از این موضوع غفلت کرد که او اعلام کرده به هر واکنش تلافی جویانه ایران واکنش مستقیم نظامی نشان خواهد داد. اما سخنانی اش نشانی از تهدیداتی از نوع «۵۲» نبود.

همچنین ترامپ از موضوع «قدرت نرم» غافل شده است. بدین صورت که حمله به پایگاه های نظامی آمریکا در چند دهه اخیر از سوی هیچ کشوری رخ نداده است ولی از سوی ایران مورد هدف قرار گرفت. ایران نشان داد با زدن «چشم شیر»، قدرت نرم آمریکا در سطح نظام بین المللی را هدف گرفت؛ قدرت نرم آمریکایی که از سوی واضح قدرت نرم «جوزف نای» هم مورد نقد و معتقد است قدرت نرم آمریکا رو به افول رفته است.

حال «نای» مصادیق بیشتری با حمله به «چشم شیر» خواهد داشت!

اگر بخش مهمی از قدرت سخت و قدرت نظامی آمریکا را در پیوند با قدرت نرم بدانیم این افول قدرت نرم حائز اهمیت است. بر همین اساس آمریکا در برخی موارد برای حفظ قدرت نرم و هیمنه و ابهت خود حاضر شده هزینه های زیادی با قدرت سخت بدهد. در نمونه ای برای این موضوع می توان به اظهارات «ریچارد نفیو» طراح تحریم های آمریکا علیه ایران اشاره کرد که از منتقدان تحریم های آمریکا علیه ایران با هدف تعریفی ترامپ است. چرا که به اعتقاد وی اگر ترامپ نتواند به هدف تحریم ها که تغییر نظام ایران تعریف کرده دست یابد، دیگر تحریم های آمریکا نزد کشورهای دیگر اهمیت خود را از دست خواهد داد؛ یعنی وجه «نرم» تحریم.

ترامپ همچنین در سخنانی لرزان امشب بار دیگر توان و تجهیزات نظامی خود را به رخ کشید؛ اما خود او و کارشناسان نظامی هم می دانند تجهیزات نظامی شرط کافی برای تعیین کنندگی در جبهه های جنگ نیستند.